

واکاوی‌هایی در نقد و نگارش

غلامرضا کلی زواره

نوعی بصیرت، معرفت و علوم گوناگون را برایش به ارمغان آورده است. بر اساس این جاذبه درونی است که درک معارف و کمالات برای انسان وجد و نشاط و انبساط خاصی دارد.

به کمک این نیروی نهفته دانشوران، حکیمان، مخترعان و مکتشفان پرده‌های جهل و بی‌خبری را کنار زده‌اند و به افق‌های درخشان و شکوهمند رسیده‌اند و کاخ عظیم فرهنگ و تمدن را پی‌ریزی کرده‌اند.

در تعالیم اسلامی به رشد و پرورش این میل مقدس توجه شایانی شده و در نظام تربیتی اسلام توجه به کشف حقایق و پرهیز از آفات آن، جایگاهی ویژه دارد. مهم‌ترین عامل در احیای این جنبه جالب، خضوع در برابر تحقیقات اصیل و پرهیز از هر نوع مجادله، مخاصمه و مقامت در برابر آنهاست.

قرآن کریم که معجزه خاتم پیامبران و برهان رسالت نبی اکرم (ص) است و جاودانگی پیام رسالتش اجتناب‌ناپذیر بوده و در جامعیت آن خدشه راه ندارد، هر گونه گفتار و کرداری را که از روی ژرف اندیشی و شناخت نباشد، نفی می‌کند و برای انسان‌هایی فرجام بد تعیین نموده که اهل خردمندی، تفقه و بصیرت نبوده باشند و به دلیل اعراض از حق جویی و کسب آگاهی، در غفلت و ضلالت به سر می‌برند.^۱

این کلام ملکوتی و آسمانی از آدمی می‌خواهد با بینش و بصیرت به فرمان الهی گردن نهد. قرآن نیز بر اساس علم و تحقیق، حقایق خود را به اثبات می‌رساند.^۲

به مناسبت یکصدمین شماره مجله وزین آینده‌پژوهش، نخست در صدد گردیدم در نامه‌ای مختصر یا یادداشتی کوتاه نکاتی را قلمی کنم و پاسخ مکتوب سردبیر دانشور این نشریه را داده باشم اما به ذهنم رسید واگویه‌هایی را در مقاله‌ای که ملاحظه می‌فرمایید با خوانندگان در میان بگذارم، نخست اشاره‌ای به فرهنگ پژوهش در آیین اسلام نموده و کوشش‌های تحقیقاتی مسلمین را که منحصر به ایجاد تمدن و فرهنگ اسلامی گردید از نظر علاقه‌مندان گذرانیده و سیر نگارش مشاهیر مسلمان را تا پیدایش انقلاب اسلامی مرور کرده و در این میان جاری شدن جو بیار مصنفای آینده‌پژوهش را واکاوی کرده و در ادامه بایسته‌هایی را در هشت محور یادآوری نموده‌ام. امید آن که این درددل‌ها مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد.

سرشتی شگفت

ای دو جهان از قلمت یک رقم
بی رقت لوح دو عالم عدم
در کف من مشعل توفیق نه
ره به نهانخانه «تحقیق» ده

یکی از کشش‌های سرشتی و درونی انسان، گرایش به سری حقیقت است. این انگیزه فطری آدمی را بر خلاف مشقت‌ها، سختی‌ها و مرارت‌ها به سوی درک حقایق ناب سوق داده و

۱. ر. ک: سوره اعراف، آیه ۱۷.

۲. ر. ک: سوره حج، آیه ۴۶؛ سوره آل عمران، آیه ۱۹۰-۱۹۱؛ سوره یوسف ۱۰۸ و سوره بقره ۲۵۶.

بیابند و نابسامانی‌ها را سامان دهند.

شخص محقق از دیدگاه باورهای ارزشی قرآن و حدیث باید با خلوص نیت، علو همت و کوشش صادقانه وارد این عرصه گردد و حُسن خلق و فروتنی را شیوه خود قرار دهد و برای کسب مکارم بکوشد.

شهد شکوفایی

مسلمانان با الهام از قرآن و سیره نبوی و به کار بستن دستورهای دینی، از همان قرون اولیه به کوشش توأم با پژوهش روی آوردند و تمدن عظیمی را بنیان نهادند و نوابع و دانشوران متعددی را در علوم گوناگون به جهان تقدیم نمودند و به علم و فرهنگ بشری کمک فراوان کردند. گوستاولوبون می‌نویسد: «اسلام برای اکتشافات علمی از هر دینی مناسب‌تر و ملایم‌تر است؛ چون پیامبر آمد و یک قرن از ظهورش گذشت ... در هر شهری که پرچم اسلام در آن به اهتزاز درآمد، تمدن نیز با درخشندگی خیره‌کننده خود در آن تجلی نمود.^۹»

خانم دکتر زیگرید هونکه، محقق اروپایی، به نکات جالبی اشاره دارد:

«مسلمانان وارث علوم پیشینیان خود شدند، ولی نه نسخه بردار آنان. این، هم در مورد وسایل علمی صادق است و هم در مورد علمی که با آنان تا آن زمان هیچ تماسی نداشتند. انسان از عدم پیش داوری آنان تعجب می‌کند. برق نام و علم کسی چشمشان را نمی‌زد و مانع نمی‌شد که نتایج علمی کسی را دوباره کنترل کنند تا احتمالاً اشتباهش را تصحیح نمایند و روی آن زمینه جدید به دست آمده، سیستم علمی و جدید خود را بسازند؛ حتی نوشته‌های کسی همچون ارسطو یا بطلمیوس را با دیده انتقادی بررسی می‌کردند. حقیقت جویی سرسختانه، آنان را بدون تردید به سوی مشاهده علمی سوق می‌داد. نتایج دقیق علم، پایه زندگی مادی و معنوی آنان را تشکیل می‌داد.^{۱۰} وی در جای دیگر یادآور می‌شود:

۳. امالی صدوق، ص ۲۳۳.

۴. منبیه المرید، ص ۱۶۳.

۵. همان.

۶. تحف العقول، ص ۹۸.

۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷.

۸. فهرست غرالحکم، ص ۲۶۵.

۹. تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون فرانسوی، ترجمه سید هاشم حسینی، ص ۱۴۳.

۱۰. فرهنگ اسلام در اروپا، زیگرید هونکه، ترجمه مرتضی رهبانی، ص ۱۷۷-۱۷۸.

از سوی دیگر، کلام وحی و تعالیم اسلامی برای قلم و نگارش، قداست و حرمت ویژه‌ای قائل است. خداوند در اولین آیه سوره قلم، به «قلم» سوگند می‌خورد و امام صادق (ع) مداد دانشمندان را بر خون شهیدان برتر می‌داند!^۳ آن امام همام از پیروانش می‌خواهد برای حفظ حقایق دینی، به نگارش روی آورند، و نیز افزوده‌اند: «جان آدمی به نوشتار تکیه می‌کند و آرام می‌گیرد». آن حضرت تأکید می‌فرماید: «نگاشته‌های خود را نگاهداری کنی که در آینده بدان‌ها نیاز پیدا می‌کنی» و توصیه نموده‌اند: «در زمان‌های آشفتگی که در پیش است جز با نوشته‌ها، به چیز دیگری نمی‌توان مأنوس گردید و آرام گرفت». رسول اکرم از مسلمین می‌خواهد دانش را با کتابت صیانت کنند و فرموده‌اند: نوشتار علمی می‌تواند مؤمنی را از گزند آتش جهنم برهاند.^۵

البته در فرهنگ اسلامی تحقیقی حاوی ارزش است که با مقتضیات جامعه تناسب داشته باشد و پژوهشگر، زمان‌شناسی و موقعیت‌سنجی را در نظر گیرد و در یک کلام گره‌گشایی از دشواری‌های مردم بنماید. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد؛ کسی که اوضاع روزگار را می‌شناسد، از آمادگی در برابر مقتضیات آن غفلت نمی‌ورزد». ^۶ همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوايس؛^۷ یعنی کسی که زمان‌شناس باشد، مورد هجوم تندبادهای حوادث قرار نمی‌گیرد». به علاوه، تحقیقات و پژوهش‌های علمی باید در موضوعاتی باشد که بهتر نتیجه می‌دهد. امام علی توصیه نموده‌اند: «فخذوا من كل علم احسنه؛ دانش‌هایی را فراگیرید که شایسته‌ترند». ^۸

اسلام معیارها و ملاک‌هایی را برای تحقیقات تعیین نموده تا این تلاش به سعادت، ترقی و هدایت انسان کمک کند، قوه ادراک و تفکرش را تقویت نماید، فضیلت‌های معنوی را در جامعه رواج دهد. بنابراین پژوهش‌ها در صورتی پربار، مفید و حاوی ارزش‌اند که در خدمت آرمان‌های اخلاقی باشند و جامعه را از انحرافات، جمودها، بدعت‌ها، اعوجاج‌ها و جهالت‌ها برهانند، گره‌های کور را گشوده، برای گرفتاری‌ها راه حل

«دانشمندان اسلامی به عوامل متغیری توجه یافتند که به وسیله پیشینیان، ثابت اعلام شده بود. آنان متوجه زاویه متمایل محور زمین شدند... این اندازه گیری آنان حتی یک ثانیه هم پس و پیش ندارد. با این کشف، پشتکار خود را در آزمایش ها به کار بردند و همچنین ظرافت حواسشان را برای درک کمترین تغییر نشان دادند».^{۱۱}

خانم هونکه، به این واقعیت اشاره دارد که در زمانی که در اروپای قرون وسطا هرگونه بیماری را مجازاتی برای بشر می دانستند و حتی امراض جسمی را نتیجه حلول شیطان تلقی می کردند و تمام افراد بیمار تا قرن هیجدهم دچار لعن و نفرین بودند و حتی بیماری های بدنی ناشناخته بود و با اطمینان کامل جزء جن زدگی و حلول ارواح پلید در جسم بیمار به شمار می رفت، در اسپانیا مسلمانان بیمارستان هایی برای درمان اختلالات روانی داشتند. به باور وی روش دانشمندان مسلمان برای درمان بیماران، اصولی و علمی بود. به علاوه، شیوه آنان در حفاظت و تقویت روحیه بیماران، بشردوستانه است و سرمشقی برای مغرب زمین به شمار می رود.^{۱۲}

وی می افزاید:

«در مورد علت بیماری طاعون، اروپاییان تصور می نمودند دود متعفن آسمان و بخار مسموم شهاب هایی که به زمین پرتاب می شوند یا گازهایی که از رگه های زمین بیرون می آیند، طاعون را پدید می آورد! اما یک دانشمند اسلامی توجه انسان های وحشت زده را به سوی حقیقتی دیگر برگردانید. ابن الخطیب، پزشک و دانشور اندلسی، چگونگی واگیر شدن و انتشار این بیماری را واضح و منطقی در کتابی شرح داد و مَسری بودن آن را اثبات کرد و با آزمایش های علمی و تشریح جسد و بررسی های پژوهشی مدارک و دلایل غیر قابل تردیدی ارائه داد».^{۱۳}

وی می نویسد:

«مسلمانان معلوماتی را که از یونانیان گرفتند، به وسیله آزمایش های تجربی رشد دادند و بسیار پیش بردند. آنان مخترع آزمایش تجربی و آن هم به قاطع ترین معنایش هستند. آنان پایه گذار واقعی تحقیقات علمی اند. مصدر اصلی تمام تحقیقات علمی که کشف و اقعیت مفردات بود، اولین بار به وسیله مسلمانان انجام شد. آنان به طور خستگی ناپذیر با مشاهدات و اندازه گیری های خود نقطه مورد نظرشان را احاطه می کردند و آن قدر آن را در تنگنای تحقیقات قرار می دادند تا به واقعیت برسند. این کار را با چنان روحیه آزاد انجام می دادند که باید قبول کرد که هشتصد سال از اروپا جلو بودند. تمدن اسلامی که به وسیله مسلمانان آغاز شد، نه تنها میراث یونان را از

انهدام و فراموشی نجات داد و آن را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد، بلکه پایه گذار شیمی آزمایشی، فیزیک، جبر، علم حساب به مفهوم امروزی، مثلثات فضایی، زمین شناسی و جامعه شناسی گردید. تمدن اسلامی کشف ها و اختراعات گرانبهای بی شماری در همه بخش های علوم تجربی که اکثر آنها را بعدها نویسندگان اروپایی به حساب خودشان گذاشتند، به مغرب زمین هدیه کرده است».^{۱۴}

وی اعتراف می کند:

«این نهضت فرهنگی عظیم اسلامی، عجیب ترین مظاهر تاریخ تحول بشریت را به وجود آورد. سیر صعودی این تمدن که به صیانت حاملین آن بر تمدن های ملت های کهن منتهی شد، چنان است که نفس انسان را می رباید و در تاریخ بی نظیر است».^{۱۵}

وی می افزاید:

«در همین سال که جهان اسلامی به سوی عالی ترین دوران طلایی تاریخش می شتافت، اروپا با ترس از به آخر رسیدن عالم، از نظر تاریخی و جغرافیایی و سیارات، در نبرد بود».^{۱۶}

هونکه متذکر می گردد:

«مسلمانان بودند که با ترجمه آثار یونان قدیم از زبان یونانی به عربی و شرح هایی که بر آنها نوشتند و نیز آثار خودشان، آن روحیه علمی فکر کردن و تحقیقاتی عمل کردن را، در بین ژرمن ها، با زحمت پایه گذاری کردند».^{۱۷}

مشاهده می شود چگونه اعتقادات و باورهای اسلامی، به صورت سرچشمه های تحقیقات، فرهنگ و تمدن در می آید و جویبارها و رودخانه های خروشان را به سوی دشت های تشنه انسان ها جاری می نماید و بر همه مخالفان هم ثابت می گردد که

۱۱. همان، ص ۱۸۵.

۱۲. همان، ص ۲۴۷-۲۵۱.

۱۳. همان، ص ۲۷۶.

۱۴. همان، ص ۴۱۹-۴۲۰.

۱۵. همان، ص ۳۵۲.

۱۶. همان.

۱۷. همان، ص ۱۹۵.

حافظان باروی باورها

اگر چه جهان اسلام چنین شیوه نگران کننده‌ای را پیش گرفت، اما محققان و فرزندگان اعم از شیعه و سنی دفاع از مرزهای اعتقادی، گسترش معارف دینی و توجه به مقتضیات زمان و پاسخگویی به شبهات را وظیفه‌ای سترگ برای خود تلقی کردند. با نگاهی عمیق به محصولات پژوهش‌های علمای مسلمان در طول قرون متمادی، این حقیقت آشکار می‌گردد که آنان بر خلاف تنگناهای فرساینده، دشواری‌های جانکاه و فقدان امکانات لازم، با نیتی صادقانه و خالصانه تمام توان فکری و علمی خود را به کار گرفتند تا میراثی پربار، آموزنده و ارزنده در اختیار نسل‌های بعدی بگذارند، پژوهش‌های پیشینیان را ژرفایی بخشیده، افق‌های جدید را بر روی تشنگان معارف ناب بگشایند و در ضمن، یورش‌های سهمگین و توفان‌های شدید ملحدان، مرداب‌های خطرناک منحرفان و باتلاق‌های بدعت‌گذاران را خشی کنند.

آنان در امواجی از دشنام‌ها و سعایت‌ها و فشارهای سیاسی، سختی‌های زیادی را پذیرا شدند تا مشعل معرفت را روشن نگاه دارند و جامعه را از خلل‌های فکری و آسیب‌های فرهنگی محافظت کنند و سخت‌کوشی، اهتمام وافر و کاوش‌های مرامت‌زار را بر عافیت‌طلبی ترجیح دادند و با سعدی هم آواز شدند که:

غواص اگر اندیشه کند کام نهنگ
هرگز نکند در گرانمایه به چنگ
و به گفته فخرالدین اسعد گرگانی:

ز دشمن کی حذر جوید هنرجوی
ز دریا کی پرهیزد گهرجوی

تلاش آنان تحقیقی از سر دلسوزی بود، نه تقلیدی فرصت‌سوز و تلف‌کننده وقت. به قول مولوی:

از مُحقق تا مقلد فرق هاست
کاین چو داود است و آن دیگر صداست
منبع گفتار این سوزی بود
و آن مقلد کهنه آموزی بود

میرحامد حسین، هنگامی که خود را مکلف می‌بیند مطالب نادرست کتاب تحفه اثناعشریه را روشن کند، نخست خود را برای ادای تکلیف مهیا می‌نماید، سپس به فکر تهیه مقدمات

فرهنگ اسلامی مولد است، اگر مسلمانان از آن بهره ببرند. اندک این نهر خروشان بر پهنه دشت‌ها پیش می‌رود، آن را آبیاری می‌کند و بوستانی معطر از علم و معرفت پدید می‌آورد. اینجا دیگر مذهب، شکوه علمی خود را به نمایش می‌گذارد.^{۱۸}

شیخ محمد عبده در پاسخ به یک کشیش مسیحی گفت: «جهان اسلام از قطعه‌ها و تکه پاره‌ها و از مواد متلاشی شده تمدن‌های مختلف مایه‌ای ساخت و از آن تمدن و فرهنگ اسلامی را به وجود آورد و در آن وقت دنیای مسیحیت در نهایت توخس و بربریت زندگی می‌کرد. در آن زمان دنیای مسیحیت به بهانه دیانت، از علم فاصله گرفته بود و دنیای اسلام با ارزش‌های آیین خود پیوندی استوار و پاک داشت؛ اما از وقتی ما اسلام را رها کردیم و شما مسیحیت را رها کردید، ما رو به انحطاط نهادیم و شما راه ترقی را پیمودید اصلاً پیدایش مذهب پروتستان معلول برخوردتان با دنیای اسلام بود».^{۱۹}

سرانجام مسلمین که آن شکوفایی علمی و بی‌نظیر را از خود نشان دادند و به گفته پروفیسور گیپ روحیات و افکارشان، روح تاریک مردم قرون گذشته غرب را روشن ساخت و آنان را به سوی جهان وسیع‌تری هدایت کرد،^{۲۰} از قرآن که نور علم و نیروی ابتکار و ابداع و درخشش فکری به آنان بخشیده بود، جدا شدند و از سنت نبوی که تمدنشان را به صورت نظام کاملی از پژوهش و محصولات علمی و فرهنگی درآورده بود، فاصله گرفتند و در نتیجه، باران رحمت و نهر علوم اسلامی که در طول چندین قرن جهان بشریت را سیراب می‌کرد، به دشتی کم حاصل تبدیل گشت و در مقابل تمدن رو به افول آنان، تمدنی ظاهر گردید که ملل غربی پیشاپیش آن در حرکت بودند؛ تا اینکه پرچم قدرت جهانی را تصاحب کردند و از طریق اکتشافات جغرافیایی، جهانگردی و مانند آن بر منابع مادی و معنوی جهان اسلام تسلط یافتند و به غارت قلمرو مسلمین روی آوردند و هنگامی مسلمانان از این غفلت بیرون آمدند که بسیاری از بلاد اسلامی تحت استیلای غربی‌ها درآمد و حتی فرهنگ و افکار آنان در مناسبات اجتماعی و زندگی فردی و جمعی مسلمین نفوذ کرده و استقلال واقعی، هویت اصیل و فرهنگ فرزندی آنان را در معرض تهدید قرار داده بود.^{۲۱}

۱۸. بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی، ص ۱۴۵.

۱۹. مسئله شناخت، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۳۱-۲۳۰.

۲۰. میراث اسلام، گروهی از دانشمندان، ص ۸۱.

۲۱. اسلام و تمدن غرب، ابوالاعلی مودودی، ص ۴۷-۴۸.

عمل به این تکلیف می افتد. همین که می بیند کتاب مزبور اشتباهاتی دارد و لازم است جهل پراکنی های آن پاسخ داده و جبران شود و تفرقه آفرینی های آن را باز پس راند و دروغ هایش را افشا کند، در وهله اول به دنبال گسترش معلومات خویش و یافتن منابع و مدارک وسیع می رود و سال ها در این زمینه تلاش می کند، سرانجام اثری ارزشمند، پرمایه و غنی با عنوان عبققات الانوار تألیف می نماید تا بگوید: این است تربیت علمی مکتب اسلام. این است معنای تحقیق و ژرف نگری و این است سند حقانیت فرهنگ عترت نبی اکرم.^{۲۲}

قاضی نورالله شوشتری به دلیل تألیف کتاب احقاق الحق زیر ضربات تازیانه دشمن در اکبرآباد هند به شهادت رسید.^{۲۳} او جرئت این بود که مردمان را به سوی حق دعوت می کرد، احکام خدا را برپا می داشت و با پرتوافشانی دانش خویش، تیرگی های جهالت را می زدود.^{۲۴} آیت الله شیخ محمد حسن نجفی کتاب جواهر الکلام را که یک دوره کامل فقه استدلالی است، در گرمای طاقت فرسای نجف نگاشت و حتی هنگام وفات فرزندش، از تألیف آن دست برداشت.^{۲۵}

جرجی زیدان، مورخ معروف لبنانی، در کتاب مشهور خود، تاریخ آداب اللغة العربیه که تاریخ ادبیات عرب در چهار مجلد است، شیعه را طایفه ای کوچک معرفی کرد که آثار قابل اعتنایی ندارد. شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید حسن صدر و شیخ محمد حسین کاشف العظماء از این اظهار نظر برآشتند، چرا که واقعیت نداشت و بر آن شدند هر یک در باب معرفی فرهنگ غنی تشیع تلاشی پژوهشی را عهده دار شوند. شیخ آقا بزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه و الذریعه را به رشته تألیف در آورد و محصول کوشش سید حسن صدر کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام بود و کاشف الغطاء هم کتاب جرجی زیدان را نقد نمود و اشتباهاتش را باز گفت. البته در ضمن، کوشش های مؤلف را در تألیف آن ستود. آری دانشوران شیعه در دفاع از ارکان فضیلت و برای معرفی فرهنگ تشیع سالیان متمادی زحمت می کشند و ابعاد و جوانب یک مکتب دینی و حماسی را به جامعه باز می شناسانند.^{۲۶}

از آنجا که حق هشام بن حکم به عنوان دانشور شیعه و پرورش یافته مکتب ائمه هدا، در بین نوشته های مستشرقین و حتی در کتاب ملل و نحل شهرستانی درست ادا نشده بود، آیت الله سید احمد صفایی خوانساری مدت سه سال به تتبع و مطالعه منابع پرداخت و کتاب معروف هشام بن الحکم متکلم معروف قرن دوم هجری را نگاشت که در این زمینه جامعیت فوق العاده ای دارد.

شیخ عبدالحسین شرف الدین که پاسدار بزرگ حقایق

اسلامی و معارف اهل بیت است، در راه شناساندن درست و حکیمانه مذهب تشیع در دنیای پر آشوب قرن چهاردهم هجری، گام های بلندی برداشت. از کارهای موفق او، تحقیقات علمی است که شیخ آقا بزرگ تهرانی این جنبه را چنین وصف می کند: «شرف الدین کوشش خود را پژوهش در مباحث شیعی قرار داد و روزگار و قلم خویش را وقف این عرصه نمود و برای این مقصد اسناد و مدارک و نوشته های تاریخ اسلام را با دقت و ژرف کاوی خواند و به پالایش آن ها پرداخت تا نکات معتبر را از مطالب فاقد اعتبار باز شناسد و حقیقت محتوم را از برخی توهمات و تخیلات جدا کرد».^{۲۷}

علامه طباطبایی در برابر امواج ماده گرایی و افکار الحادی، کتاب گران سنگ اصول فلسفه و روش رئالیسم را به نگارش درآورد و وقتی تفکر باستان گرایی خواست چندین قرن شکوفایی فرهنگی و علمی ایران را به برکت اسلام فراموش کند شهید مطهری به تألیف کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران روی آورد. استاد محمدرضا حکیمی می نویسد:

«در فرهنگ دینی، عالمانی قرار دارند که با تألیفات مستند و عمیق و امین و روشنگر خود به نشر تفکر صحیح پرداخته اند و ناهماهنگی هایی را که در مسیر ذهنیت اجتماع بوده یا به وجود آمده است، رفع کرده اند و خلق را از افتادن در مهلکه القانات نادرست و تشکیکات ناروا و در نتیجه، رها بودن و تحیر و بی ایمانی رهایی بخشیده اند و با توضیح دادن وجه درست در مورد حقیقت های تحریف شده، به صحت و اصالت فکر و باور جامعه، کمک کرده اند. این گونه عالمان با ده ها نوع گرفتاری، تحمل مشقت و محرومیت های گوناگون ... همواره دست به گریبان بوده اند».^{۲۸}

۲۲. میر حامد حسین، محمدرضا حکیمی، ص ۱۱۱-۱۱۳.

۲۳. فوائد الرضویه، محدث قمی، ص ۶۹۷.

۲۴. شهداء الفضیله، علامه امینی، ص ۱۸۰.

۲۵. صحیفه دل (مطالب و خاطراتی از شاگردان امام خمینی)، ص ۸۰؛ عارف کامل (شاه آبادی)، ص ۹ و نیز ص ۷۳.

۲۶. شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدرضا حکیمی، ص ۲۳-۲۴.

۲۷. نقیه البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۳، ص ۱۰۸۳.

۲۸. شیخ آقا بزرگ، محمدرضا حکیمی، ص ۲۶۵-۲۶۶.

کارنامه ای درخشان از خود به یادگار نهاده اند و تجربه های گرانبهایی اندوخته اند، با نسل جوانی که به تازگی چنین توفیقی را رفیق راه خویش نموده اند و امید یاری از پیش کسوتان این عرصه دارند.

آینه پژوهش شیوه های درست نگارش و ویرایش را پیش روی خوانندگان نهاد که در پی یافتن روشی مطلوب، دچار تردید و درماندگی شده اند و در این زمینه ها نیازمند یافته های دقیق، جدید و اصولی و خردپسند و معتبر هستند و برای کاستن از کوشش های تکراری در خصوص پژوهش های در آستانه نشر به اطلاع رسانی پرداخت که این روند استمرار نیافت.

دست اندرکاران این نشریه، اگر چه راهی پر سنگلاخ و دشوار را طی کردند و رویارویی با تنگناها را از عمق وجود پذیرا شدند، اما برای نیل به هدف های ویژه تحقیق و به قصد بهسازی پژوهش و نشر دینی، نکات تازه ای را در این راستا به خوانندگان خود آموزش دادند و در عین حال روحیه نقد و انتقاد را به انگیزه رفع کاستی ها و گام نهادن به سوی رشد و تعالی، ترویج نمودند.

آینه پژوهش به نویسندگان نوپا و جوانان اهل قلم نوید داد در پرتو ریاضت های علمی و دستیابی به مهارت ها و توانایی های عملی، در برابر گرایش های گوناگون و در معرکه آرای مختلف نه تنها آسیب پذیر نخواهند بود، بلکه مصونیت خواهند داشت و از مسیر تحقیق هیچ گاه منحرف نخواهند شد و اگر چنین شیوه ای را خالصانه و با انگیزه ای پاک ادامه دهند، به تدریج به آفرینش های آموزنده و معیارهای خردپسند دست خواهند یافت و استمرار این مسیر خلاقیت ها را شکوفا می کند و افق های تازه ای بر روی آیندگان می گشاید.

در مجموع این مجله کوشیده اصول زیر را در مقالات، نقدها و کتاب شناسی های خود مورد توجه قرار دهد:

۱. دقت در ساختار و نگارش مطالب، تفحص و کسب آگاهی در طرحی منظم و منسجم و هدف دار؛
۲. اعتدال فکری و اصابت نظر در تحقیق که استواری و ماندگاری و اثربخشی تحقیق را به دنبال دارد؛
۳. پرهیز از گرایش های گروهی و جناحی و انواع تعصب ها و انجمادهای فکری و برخورداری از وسعت نظر و سعه صدر؛
۴. ترویج اندیشه های پویا و دارای نبوغ و ابتکار و معرفی آثاری که سبک نو و شیوه ای شایسته را پی گرفته اند؛
۵. تأکید بر روح علمی و اینکه پژوهشگر در ژرف نگری، اجازه ندهد کارها آسان و خرد گرفته شود؛ زیرا به اتکای چنین روحیه ای است که محقق همواره از شتاب می گریزد و هنگام برتری دادن نکته ای بر نکته دیگر، حق را در نظر می گیرد؛
۶. اتصاف به انصاف در تحقیق علمی و فرهنگی. این

چشمه ای که در کویر جوشید

تحقیق و کاوش های علمی بدین گونه در طول تاریخ با فراز و فرودهای متعددی همراه بوده است؛ تا آنکه با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، دوران طلایی پژوهش های دینی فرارسید و به برکت این خورشید فروزان محققان در تحقیقات دینی به لحاظ کمی و کیفی به بالندگی ویژه ای رسیدند، ده ها مرکز پژوهشی وابسته به حوزه و دانشگاه بنیان نهاده شدند، نشریات گوناگونی در موضوعات متعدد علوم و معارف اسلامی سر بر آوردند و کتاب های فراوانی در این عرصه ها به رشته نگارش در آمدند.

در این میان، دو ماهنامه آینه پژوهش از بهار ۱۳۶۹ تولد خویش را اعلام کرد؛ نشریه ای که به لحاظ محتوا و ساختار و هدفی که در پی داشت، کاملاً حرکتی ابتکاری محسوب می گردید و از همان نخستین شماره ها مورد استقبال اصحاب قلم و کوشندگان پژوهشگر و منتقدین منصف قرار گرفت؛ مجله ای که در حوزه نقد کتاب و شناخت منابع اسلامی و بایسته های نشر در حوزه فرهنگ اسلامی، گامی نخست تلقی می گردید؛ جریده ای که تازه های تفحص و جهدهای ژرف، نکته یابی ها و باریک بینی های ظریفی را در آینه با صفای خود، پیش روی خوانندگان فاضل نهاد و ضمن اشاره به ابتکارات و ابداعات در تألیف آثار و نگاشته های حوزوی و دانشگاهی، تأملات و خطاها و لغزش ها را باز گفت، تا این گونه آثار با درنگی ژرف تر و پالایش و پیدایش و به دور از کاستی ها عرضه گردند و عرصه های علمی و معرفتی حوزه فرهنگ اسلامی، پر بارتر و سودمندتر و کارگشاتر شوند. آینه پژوهش ضمن ارج نهادن به پژوهندگانی که در پس سال ها رنج و مشقت و سخت کوشی، تألیفاتی مفید بر جای نهاده اند و روزنه های امیدوار کننده ای را بر روی علاقه مندان گشوده اند، زبان های سطحی نگری، دوباره کاری و تألیفات تکراری و بازاری را باز گفت و عوارض این مسیر تباه کننده را که عمرها را تلف می کند، خستگی و درماندگی به دنبال دارد، فروغ ذوق ها را خاموش می کند و طراوت و نگاه نو را دفن می نماید، یادآور گردید.

این مجله حلقه ارتباطی گردید بین محققانی ماهر و پرسابقه که

ویژگی باعث می شود که نویسنده بر خود سخت گیرد و خطا و سهو خویش را نادیده نینگارد و هر گاه دچار اشتباه شد، به سختی بر خود پیچد و با اتخاذ تدابیری صحیح در رفع آن بکوشد تا سبب گمراهی دیگر جویندگان دانش و معرفت نشود و با نمایش ژرف نای پژوهش و پهنه دانش خود، از پرورش قلم خطانویس جلوگیری کند؛

۷. پرورش اندیشه. یعنی محقق پس از تکمیل مطالعات و تفحص در آثار و افکار قدما و احاطه بر جوانب اندیشه دانشوران سلف و اشراف کامل بر مباحث مورد تحقیق، به اجتهاد و اظهار نظر پردازد و بعد از پروراندن اندیشه خویش با سبکی خاص و روشی بدیع، آرا و عقاید خود را در قالب تألیف در آورد و در معرض استفاده اهل فن قرار دهد و به سرمایه سرعت انتقال، صحت و صفای قریحه، ذوق سرشار و حسن سلیقه در گزینش مطالب و اعراض از تجملات و اشتغال تام به پژوهش، آراسته باشد؛

۸. اصرار بر کنجکاوای محققانه. این ویژگی دیدگان پژوهشگر نکته سنج را گشاده نگاه می دارد و آرای او را با وقار علمی قرین می سازد و او را از دهلیزهای پندارگرایی به سوی واقع گرایی سوق می دهد و با این تربیت، از اقوال غیر برهانی و مغایر با عقل می پرهیزد و با عنایت الهی از شرارت ارباب اغراض و حيله های اهل ظاهر و یا همه عوام و غوغای جهال مصون می ماند و بدین وسیله، دیدگاه خود را پس از این کاوش ها و به دست آوردن اسناد مسلم و معتبر به عقیده ای ثابت، مدلل و راسخ تبدیل می سازد.

۹. به محک زدن اقوال. گفتار افرادی که بدرود حیات گفته اند، هرگز در حدّ یقین علمی نیست و به طور کامل نمی توان به آنان اطمینان یافت. البته در این میان نقل قول از معصومین بحثی جداگانه را می طلبد، اما پژوهشگری که با اقوال متناقض راویان رو به روست و گاه اختلاف گفته ها، محقق را با دشواری اساسی مواجه می سازد، باید کدام را بپذیرد و به کدامین آنها با دیده تردید بنگرد و چه نوعی از آنها را نادیده بنگارد.

علاوه بر این، شناخت حقایقی که با ارزش های دینی و مبانی علمی و عقلی تطبیق ندارد و از مقوله سفسطه بازی و مغلطه کاری می باشد، کار آسانی نیست. در این موارد، پژوهشگر ضمن نقل آرا، آنها را به محک نقد می زند و ضعف و عجز و خطای موجود یا احتمالی را باز می شکافد و به اثبات یا ابطال آن می پردازد.

البته در این زمینه مراعات اصل حفظ شریعت و صیانت از حیثیت افراد مشهور را در نظر دارد.

نگارنده از آغازین شماره مجله آینده پژوهش تاکنون که در آستانه انتشار یکصدمین شماره است، خوشه چین این خرمن خرد و جرعه نوش این چشمه پاک و مصفا بوده ام و مقالات و نوشته ها و نکته های آن چون مرواریدهای معانی و الماسی درخشنده و امواجی تابان در مسیر تألیف و تصنیف راهگشایم بوده اند. از آنجا که احساس می شود این نشریه می تواند به عرصه های دیگری هم گام نهد و بایسته هایی را در نظر گیرد، در ذیل به محورهایی اشاره می کنم که پرداختن به آنها هم مفیدند و هم ضروری، و نیز برخی خلأهای فرهنگی و فکری و دشواری های پژوهشی را ترمیم می نمایند:

۱. گفت و گو با محققان و پدیدآوردندگان

آینه پژوهش در سال های نخستین انتشار، از طریق مصاحبه با شخصیت های پژوهشگر، تجربه های این بزرگان را پیش روی خوانندگان می نهاد. آشنایی با روش این فرزندگان و مسیرهای پریچ و خمی که پیموده اند و نیز پی بردن به رمز موفقیت آنان، می تواند روش مصاحبه را ضروری نماید که نمی دانم چرا این بخش فراموش گردید. البته مصاحبه ها باید هدف دار و حاوی جنبه های گوناگون باشند و یا آنکه در جنبه ای خاص، تمرکز افزون تری صورت گیرد؛ زیرا گاهی در گفت و گوها، محققان آرا و افکار خود را درباره سبک نگارش بیان می کنند و زمانی به نکاتی مستند اشاره می کنند که امکان دارد مأخذ خوانندگان قرار گیرد و در مواقعی این عزیزان فرازهایی از زندگی خویش را ترسیم می نمایند. تعیین اولویت در این سه محور می تواند چنین گفت و گوهای را پر بارتر و آموزنده تر سازد. اگرچه شناخت سازمان شخصیت، خصال فکری و روحی، گرایش ها و ملاحظه سیمای روانکاوانه شخص مورد مصاحبه اهمیت شایان توجهی دارد، اما به دست آوردن مطالبی از تلاش های پژوهشی وی، تحلیل های انتقادی و واکاوی مستند سازی های مؤلف برای پدید آوردن یک اثر می تواند مجله را خواندنی تر نماید.

همچنین مجله نباید در پی آن باشد که صرفاً با سرشناس های این قلمرو مصاحبه کند تا از این رهگذر حیثیت اجتماعی خویش را ارتقا دهد؛ بلکه گفت و گو با مؤلفانی گمنام که در پی نان و

خوانندگان عادی خسته کننده است، کارنامه پژوهشی و محورهای تفکر و نگرش های علمی و انتقادی آنان را مورد توجه و تذکر قرار دهد، به عنوان نمونه، هر سال به مناسبت فرارسیدن سالروز شهادت دکتر بهشتی، صدها مطلب در جراید گوناگون، به طبع می رسد، اما در نشریات پژوهشی می تواند از زندگی اندیشه او این محورها درج گردد:

۱. کارهای تحقیقاتی و مطالعات پژوهشی وی در عرصه های کلامی، آموزشی، تربیتی و تشکیلاتی؛
۲. جهت دار بودن این کوشش ها و هماهنگی آنها با فضیلت هایی که وی به آنان التزام عملی و نظری داشت؛
۳. جدیت و نظم وی در طول بیست سال مطالعه و تحقیق، تدریس و تلاش های جمعی؛
۴. اعتقاد به کار طولانی مدت، ریشه دار و پرثمر بودن این گونه حرکت های مستمر و عمیق؛
۵. قدرت تحمل فوق العاده در شنیدن نظرات افراد و دریافت عمق تفکرات مخالفان و احترام به مبانی فکری افراد؛ اگر چه مخالفش بودند، و در این زمینه از تعصب های نابجا، شتاب زدگی ها و اظهار نظرهای غیر واقعی و تخریب کننده اجتناب می کرد؛
۶. واقع بینی و پرهیز از افراط و تفریط و کوشش برای اصلاح، تهذیب و تقویت نقاط مثبت و هدایت بحث ها؛
۷. کم گویی و گزیده گویی و انتقال معانی زیاد در گفتاری کوتاه و سنجیده و توانایی بر استدلال و افتاح اشخاص؛
۸. توانایی در جمع بندی ها و دریافت نقاط مشترک از میان افکار و اندیشه های کاملاً متضاد و به ظاهر متناقض؛
۹. دیر به نگارش دست می زد و پس از تعمق همراه با وسواس برای یک کار علمی، اقدام به انتشار آن می نمود.

۳. معرفی بانوان نویسنده و پژوهش های آنان

اگر چه در مسیر تاریخ ایران و حتی جهان اسلام، زنان با واکنش های واپس گرایانه رو به رو بوده اند، اما در دهه های اخیر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سبب حرکت با برکت و نگرش های عالی رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی، بار دیگر زنان به تکاپو افتادند و در پرتو ایمان و باورهای شیعی، به نگارش و آفرینش آثار علمی، ادبی و دینی روی آوردند. درک صحیح از توانمندی های زنان در عرصه پژوهش، معرفی و ارزیابی تولیدات تحقیقاتی بانوان و نقش آنان در یافته های پژوهشی و حل مشکلات علمی و آموزشی در این جهت می تواند مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد.

نشان و شهرت نمی باشند، اما آرا و افکار و نگاه ها و کوشش های فکری آنان بسیار تأثیر گذار است، می تواند خواننده را در گشودن گره های فکری و فرهنگی یاری کند. در این زمینه، پرسشگر باید در جلب اعتماد نویسندگان از خود استعدادی ویژه بروز دهد، ژرفای موضوعات مورد بررسی را بداند، اهمیت آنها را درک کند، مصاحبه را در جهت کشف ظرایف و ابتکارها هدایت کند و با باریک بینی و پختگی، اصول و فنون تحقیقاتی مؤلفان را ژرف تر و گسترده تر به دست آورد.

۲. دگرگونی در صفحه «در گذشتگان»

آینه پژوهش در صفحات پایانی به مناسبت درگذشت معارف، شرح حالی مختصر می آورد که اغلب کلیشه ای و تکراری است و گویا تنظیم کننده این بخش مترصد و منتظر آن است که نویسنده ای رخ در نقاب خاک کشد تا او سیمایش را از تولد تا رحلت، اجمالاً، ترسیم نماید؛

اولاً، این رویکرد یعنی درج شرح حال به شرط مرگ محققان و مشاهیر، باید دگرگون شود و دیگر مناسبت ها هم می تواند بهانه ای برای این منظور باشند. به عنوان مثال، می توان شرح حال مؤلفی که را که در سطح جهانی، منطقه ای و کشوری موفقیتی به دست می آورد و رتبه ای ویژه کسب می کند و یا آنکه در روند کارهایش به شیوه ای کاملاً ابتکاری دست می زند که مطرح کردن آن می تواند جالب باشد؛ نگاهش و موفقیت هایش را استودیا ارزیابی کرد. ثانیاً، چرا در معرفی این افراد به کارهای تکراری و مشابه و موازی توجه نشان داده می شود؟ بلکه در همین اشاره های مختصر روش های پژوهشی و کارهای مهم فکری و علمی آنان بیشتر بسط داده شود، و این شیوه با هدف مجله هماهنگی افزون تری دارد.

نکته دیگر اینکه غالب مجلات فرهنگی، تبلیغی و ترویجی به مناسبت شهادت یا درگذشت اندیشمندان و رجال فکری و علمی، به طور خلاصه زندگی آنان را درج می نمایند که معمولاً در صفحه ای تحت عنوان مناسبت های تاریخی و یا تقویم تاریخ می آید. چه خوب است آینه پژوهش هم چنین صفحه ای را بگشاید، ولی به جای پیگیری این سبک ملال آور که حتی برای

اگر این قشر در تاریخ گذشته، در میان مشاهیر علمی جایی نیافته‌اند و یا جایگاه آنان ضعیف بوده است، به این دلیل است که زن ایرانی و بانوی مسلمان با وجود قابلیت‌های بی نظیر و هوشمندی وافر ترجیح داده که همسر یک دانشمند باشد یا فرزندی کاوشگر و مخترع را در دامن خویش پروراند؛ تا پرده از چهره استعداد‌های بی نظیر برافکنند و بر زخم ضعف عقل که گذشتگان، بر او نهاده‌اند، مرهم گذارد. امروز زنان ثابت کرده‌اند که چنین نگاه‌های منجمد و تنگ نظری‌های تُنگ مایگان قابل تغییر است. بررسی این روند و آسیب‌شناسی پژوهش‌های زنان نیز می‌تواند در آینده پژوهش مورد توجه قرار گیرد عواملی سبب می‌شود که زنان نتوانند و یا نخواهند به تحقیق بپردازند. بررسی این موانع و ریشه‌یابی اموری که باعث شده است تحقیقات را در مواردی در انحصار مردان قرار دهد و بتواند را به حاشیه براند، می‌تواند از موضوعات جالب در این محور باشد.

۴. ارزیابی پژوهش‌ها و مطالعات دینی غیر مسلمانان

ظهور اسلام در نظر عده‌ای از مسیحیان، رخدادی بزرگ و بدعتی آشکار تلقی گردید و احساس خطر قدرت‌های سیاسی و مذهبی حاکم بر اروپا و سایر سرزمین‌های مسیحی نشین، واکنش‌های گوناگونی در پی داشت. سال‌های متمادی اروپاییان و حتی برخی شخصیت‌های برجسته تاریخ تمدن این قاره، بخصوص با تأثیر پذیری از جنگ‌های صلیبی، تا آنجا که در توان داشتند علیه اسلام، پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان تبلیغ کردند و نارواترین تهمت‌ها و افتراها را در حق آورنده این آیین روا داشتند. گذشته از آن گروهی که عَلم کینه‌توزی را به تعصب بلند کرده‌اند، عده‌ای بر اساس تصورات و انگاشته‌های ذهنی خود درباره ابعاد دین اسلام به داوری و اظهار نظر پرداخته‌اند؛ حتی افرادی مثل دانت، ولتر و منتسکیو مطالبی علیه رسول اکرم (ص) و دین پیامبر خاتم نوشتند که بسیار ناروا، غیر واقعی و جفاکارانه بود.

سده‌هایی گذشت تا سرانجام آفتاب حقیقت، از پس تکه پاره‌های ابرهای کذب و دغل چهره نشان داد و بسیاری از متفکران مسیحی و غربی به اصلاح بینش و باور سابق همت گماشتند و کتاب‌هایی چند در این باب نگاشته شد که صرف نظر از برخی خطاهای سهوی و لغزش‌های قابل اغماض، مفید و ارزشمند هستند. در هر حال، مطالبی که در سال‌های اخیر غربی‌ها درباره اسلام و پیامبر نوشته‌اند، بسیار واقع‌بینانه‌تر از

آثار نسل‌های پیش است. کتاب محمد رسول و سیاستمدار اثر دبلیو مونتگمری وات^{۲۹}، از مشهورترین این مطالعات می‌باشد. گنتر لولینک^{۳۰} نیز اثری بحث‌برانگیز نگاشت. ماکسیم رودنسون^{۳۱} تحقیق مفیدی را عرضه داشت و آندرائه^{۳۲} کوشید در کتابی نقش محمد و دینداری مسلمانان را به خوبی نشان دهد. این روند به وسیله دیگر پژوهندگان اروپایی استمرار یافت که تازه‌ترین آنها چندین کتاب ارزشمند به قلم خانم آنه ماری شمیل^{۳۳} محقق آلمانی، است. معروف‌ترین اثر وی، کتابی با نام محمد رسول خدا^{۳۴} است که حسن لاهوتی به ترجمه آن اقدام کرده است. ارزیابی و احیاناً نقد این آثار می‌تواند در زمره نگاشته‌های آینده پژوهش قرار گیرد. به علاوه، برخی مشاهیر غربی مسلمانان شده‌اند و با تکیه بر ایمان و اعتقاد اسلامی ابعاد و جوانبی از مباحث کلامی و فکری و عرفانی این آیین را به قلم آورده‌اند. معرفی این نگاشته‌ها نیز مفید و تأثیر گذارند و آینده پژوهش می‌تواند مبحثی ویژه را به این محورها اختصاص دهد.

۵. معرفی پژوهش‌های میدانی، کاربردی و اقدام پژوهی

پژوهش در عمل یا اقدام پژوهی،^{۳۴} نوعی از تحقیق است که خود افراد درگیر در یک مسئله و برای حل یا کاهش آن انجام می‌دهند. عمل، محور اساسی در این نوع پژوهش می‌باشد؛ به این معنا که شخص یا افراد، عمل خود را در حین کار و فعالیت مورد پژوهش قرار می‌دهند. در این روش، هم پژوهشگر درگیر تحقیقات است و هم موضوع پژوهش مربوط به عمل فعلی پژوهشگر است. در این روش، پژوهندگان تلاش می‌کنند وضعیت نامطلوب یا نامعین موجود را به وضع مطلوب یا معین

29. W. Montgomery Watt

30. Gunther Luling

31. Maxime Rodinson

32. Aandrac

33. Anne Marile Schimmel

34. Action Research

عموم مردم و خصوص تشنگان معارف و مکارم از حاصل کار آن‌ها اندک است و عموماً این کانون‌ها برای یکدیگر پژوهش انجام می‌دهند و به صورت متقابل از خوراک‌های فکری یکدیگر استفاده می‌کنند.

عده‌ای از نویسندگان که متون مذهبی را تدوین می‌نمایند، گرچه از تحصیلات قابل توجهی برخوردارند و مؤمن و متعهد و مقیدند، اما در واقع اهل قلم نمی‌باشد، ذوق لازم را ندارند، آنان احساس تکلیف کرده‌اند که خوراکی اعتقادی برای جامعه پدید آورند و از روی دلسوزی نوشته‌ای مذهبی را به بازار عرضه نموده‌اند، اما این گونه افراد نخست باید ذوق ادبی و توانایی نگارش را در خود شکوفا سازند، سپس با اصلاح دیدگاه‌ها و تهذیب درک اجتماعی و گسترش افق‌های فکری، از محدود اندیشی خود را برهانند و به زبان روز و با بیانی جذاب و با حلاوت، اسلام را به عنوان دینی معرفی کنند که در همه عرصه‌ها و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظراتی محکم، استوار، کارگشا و کاربردی دارد و تنها به عبادت و تقدس‌های خشک و خالی فکر نمی‌کند. وقتی نوشته‌ای با احاطه بر فنون نویسندگی، پختگی‌های فکری و علمی، درک مفاهیم والا و زمان‌شناسی و موقع‌شناسی به نگارش در آمد، مؤلفش در زمره مجاهدان راه خداست و قلم او از خون شهید برتر می‌گردد و این گونه قلم‌فرسایی رسالتی راستین را داراست که نتیجه‌اش نجات انسان و خشنودی خداوند خواهد بود و چنین کتابی مصداق این عبارت است که می‌گوید:

«هذا کتاب لویباع بوزنه ذهباً لکان البایع مغبواً».

آنها که بدون صلاحیت لازم به نوشتن آثار مذهبی روی می‌آورند و صرفاً می‌خواهند شهرتی به دست آورند یا موقعیتی را می‌طلبند و برای دست‌یابی به امتیاز اجتماعی و مدارک صوری می‌کوشند، در حقیقت حق اسلام را ضایع و ذهنیات جامعه را تخریب کرده‌اند.

راستی، چرا امروزه که باید ناب‌ترین حقایق به عنوان تغذیه‌ای درست و توانبخش فکری به جامعه عرضه گردد، مطالبی منتشر می‌شود که دور از مفاهیم اسلامی است و فضای مذهبی را آشفته نموده، بازار سودجویی و سوء استفاده را پرحرارت کرده و کوشش‌های ارزشمند را زیر نقاب خود پنهان ساخته است؟ وقتی از عده‌ای می‌پرسیم: چرا مطالب کتابتان چنین سطحی، شتابزده و سطحی است و مبانی مقدماتی در آنها رعایت نشده است، می‌گویند مردم به کتاب مذهبی نیاز دارند و

تغییر دهند. هدف چنین پژوهشی، بهسازی امور و اثر بخش کردن آن است.

در این سبک، موضوع‌های تحقیق؛ همه ملموس، عینی و مربوط به فعالیت‌های روزمره است و ایجاد تغییر در وضع موجود هدف عمده آن است. این گونه پژوهش پاسخی می‌باشد به انتقاد از کاربردی نبودن اکثر پژوهش‌های مرسوم؛ یعنی پاسخ به دغدغه‌های جدایی پژوهش و عمل به یافته‌های آن که در اکثر جوامع به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

غالب پژوهش‌هایی که در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و نگرش‌های ارزشی، تربیتی و آموزشی افراد جامعه و یا افشاری از اجتماع صورت می‌گیرد و با احساس تعلق درونی توأم است و مبتنی بر احساس تعهد می‌باشد و نوعی خود ارزیابی در آنها مشاهده می‌گردد، در زمره اقدام پژوهی به حساب می‌آیند. معرفی این گونه تحقیقات می‌تواند محوری جالب در آینده پژوهش باشد و شایسته است اثرات، شیوه‌ها و جنبه‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

۶. بررسی‌هایی در روش‌شناسی پژوهشی‌های دینی

در آسیب‌شناسی پژوهش‌های دینی جنبه‌های گوناگونی قابل طرح‌اند؛ از جمله اینکه برخی محققان در این عرصه مجذوب نظریه‌های برون دینی شده و به نوعی کلیشه‌نگری و تقلیدگرایی روی آورده‌اند و نکاتی را بدون مذاقه و ارزیابی پذیرفته‌اند. نکته دیگر اینکه برخی محققان به سراغ پژوهش‌هایی رفته‌اند که دیگران بهتر و کامل‌تر آن را انجام داده‌اند. در واقع، این گروه از محققان از آگاهی‌های کافی در این باره برخوردار نبوده و نیازسنجی‌های لازم را انجام نداده‌اند. توجه به نوآوری و ابتکار نیز نکته قابل توجهی است که باید در نظر گرفته شود.

برخی تحقیقات نیز دچار ذهنیت‌گرایی شده و از عینیت‌های اجتماعی و میزان درک عامه مردم غافل مانده‌اند و اصولاً بسیاری از مراکز تحقیقاتی در خصوص علوم اسلامی، اگر چه به تولید محصولات فکری جالبی دست می‌زنند، ولی گویی بهره‌مندی

باید ساده و به دور از مفاهیم مشکل مطالب را برایشان نگاشت؛ در حالی که ساده و قابل فهم بودن مطلب، مربوط به ساختار نوشته است، ولی محتوا باید از عمق، دقت و کاوشگری موج بزند و ضرورت دارد مؤلفان پس از دسترسی به عالی ترین مضامین و تطبیق علمی و استنباط درست، دست به قلم بزنند و در قالبی ساده نکته‌هایی آموزنده را عرضه نمایند. به هیچ انگاشتن تهذیب جامعه و سطحی انگاشتن اصلاح نفوس و اذهان، تفکری عبث است و با ساده نویسی تفاوتی بارز دارد.

آیا رواست که ما راه قرآن و عترت، سیره معصومین و سخنان گهربار بزرگان دین را در اوج بدانیم و آن گاه معرفی این معارف و مکارم را از راه نثری سخیف و عامیانه و به دور از ژرف کاوی های عالمانه پی بگیریم؟ بدیهی است همان گونه که محتوا در اوج و تعالی و درخشندگی است، باید قالب و نگاهدارنده این مضامین هم رو به سوی ترقی و والایی داشته باشد.

اسف انگیزتر آنکه عده‌ای در نگارش مباحث دینی و نشر مفاهیم مذهبی در میان مردم و ترویج سیره پاکان و فرزندان، به سرقت ادبی روی می آورند و عصاره اندیشه و محصول زحمات دیگران را به نام خود منتشر می کنند. لازم است این گونه نابکران دست از چنین روش مذموم بردارند و با درستی و راستی حقوق حقداران را بشناسند و نام نویسندگان و منابعی را که از آن‌ها برداشت کرده‌اند، بیاورند و کتابشان متنی مستند و مطمئن به شمار آید و نه مشکوک و مسروق و کم اعتبار:

دزد نادان گریکی ابریق بُرد

دزد دانا دفتر تحقیق بُرد

در برابر این افراد، عده‌ای هستند که سوگمندان با غیظ غلیظ و رفتاری توأم با توهم و تخیلی مذموم، نویسندگان پر تلاش و صاحب نام را به سرقت ادبی از آثارشان متهم نموده‌اند و ادعاهایی واهی را مطرح کرده‌اند که مصداقی از کذب و افترا و ریختن آبروی برادر مسلمان می باشد. وقتی اهل فن، اظهارات این گونه اشخاص را که در مصاحبه‌ها و جلسات مطرح کرده‌اند، مورد بررسی قرار داده‌اند، مشاهده نموده‌اند که سخن آنان واقعیت ندارد و آنان در صدند عرصه‌های فرهنگی و تحقیقاتی را بی جهت ملتهب و متشنج کنند و در زمینه‌هایی که خودشان نگاشته‌هایی دارند، نوعی اختناق پدید آورند و چون باد خیزان، بر بوستان اندیشه وزیده و قلم لجاج بر دفتر احتجاج و پژو هش کشیده‌اند و سلسله خصومت بیجا را جنبانیده‌اند؛ در حالی که آثارشان اولاً در

موضوع مورد نظر نه اولین نگارش است و نه حاوی نکات ابتکاری، و به استناد منابعی که پیشینیان یا معاصران نگاشته‌اند، کتابی تألیف کرده‌اند که غالباً از خطا، لغزش، تناقض گوئی و عدم هماهنگی و انسجام، مصون نمی باشد. دست اندرکاران فرهنگ و اندیشه نباید اجازه دهند این نگاه‌های تنگ و بی پایه و خود بافته، بر حصار معرفت و تحقیق هجوم آورند.

۷. تأملات ادبی

در تصحیح متون کهن ادبی نوعی تعصب و افراط و تفریط در برخی مصححان دیده می شود و گاهی ارزش ادبی کتاب چنان جاذبه ایجاد می کند که مصصح اصول را فراموش می کند و نویسنده را از نظر فضیلت و مکارم اخلاقی در اوج قرار می دهد. به عنوان نمونه، عنصر المعالی کیکاووس کتاب قابوس نام‌ها را نوشته که حاوی نکات ادبی، اجتماعی و اخلاقی فراوان است. مؤلف این اثر پخته کار و سرد و گرم چشیده است و پندهایش حاصل تجربه هایش می باشد، اما این کتاب با همه ارزش‌های ادبی و ذوقی، بدآموزی‌هایی هم دارد و مؤلف را از حدیک مربی نیک اندیش و واقع بین تنزل می دهد و در زمره پخته کاران ریاست طلب و ظاهر سازان دنیا دوست می نشاند و در بخش‌هایی از کتاب عوام فریبی، ظاهر سازی، ریاکاری و تهمت زدن به مردم را برای رسیدن به هدف لازم می داند!

بنابراین شایسته است کسی که این متون را احیا می نماید و روانه بازار نشر می کند، اولاً چنین تأملاتی را از نظر دور ندارد و به نقد ارزیابی آن‌ها پردازد و ثانیاً، در مقدمه و طی معرفی مؤلف مراقب باشد چنان او را وصف نکند که به تمامی فضایل، فرزاندگی‌ها و مکارم آراسته است؛ بلکه واقعیت را در نظر گیرد و محور متن ادبی نگردد و ارزش‌ها و موازین را فراموش ننماید. ۳۵

۳۵. یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، زرین کوب، ص ۹۹؛ همو، نقد ادبی، ص ۲۰۸؛ دیداری با اهل قلم، غلامحسین یوسفی، ص ۸۹-۱۰۴؛ مجموعه مقالات هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، مقاله دکتر جعفر شعار، ص ۵۶۴-۵۶۸.

و مآخذی برای احیای این متون قرار می‌گیرند، بر خلاف شهرت و آوازه‌ای که بدست آورده‌اند، خالی از خطا و لغزش نمی‌باشند. سهو انگاری‌های کاتب و دستکاری‌های غلط در چاپ جاهایی که ناخوانا بوده و اضافه کردن ابیات الحاقی به وسیله وراقان و استتساخ کنندگان، از موارد این نهج آفت زاست. آقایان دکتر خالقی مطلق و دکتر عزیز الله جوینی که شاهنامه پژوهی را در رأس برنامه خود قرار داده‌اند، ضمن اشاره به این اشکالات و نارسایی‌ها، ضرورت تصحیحی جدید، نقادانه و دقیق از این متن حماسی ارزشمند را مورد توجه قرار داده‌اند و از اشعاری سخن گفته‌اند که با ساختار ادبی و نظام فکری و سبک سروده‌های فردوسی همخوانی ندارد؛ همان ابیات الحاقی که مجتبی مینوی آنان را اشعار حرامزاده نامید^{۳۷}.

ادبیات عامه^{۳۸} پسند عرصه را بر روی داستان نویسی متعهدانه و مسؤولانه، جدی و حتی حرفه‌ای تنگ کرده است و نه تنها عامل تخدیر خوانندگان است، بلکه موجب گسترش ابتذال و رواج مفاسد شده است و در مجموع این نوع داستان‌ها و رمان‌ها، فرهنگی را به جامعه تحمیل کرده‌اند که با باورها و بنیان‌های اعتقادی غالباً سازگاری ندارند، موجب رکود اندیشه شده و نوعی محافظه‌کاری، بی‌تفاوتی و عافیت‌طلبی را ترویج کرده‌اند. اثر تخریبی چنین آثاری به لحاظ ارزش‌های هدفدار و ویژگی‌های ادبی و فنون نویسندگی نیز قابل اغماض نیست. ناشرانی که در چاپ کتاب‌های دیگر بودجه کم می‌آورند، به این آثار اقبال نشان می‌دهند و گاهی رمان‌هایی این گونه به سفارش این ناشران، نوشته می‌شود و سود آوری و رسیدن به سرمایه در مدتی اندک، این روند را آسیب پذیرتر می‌سازد. نقش‌شناس و بخت‌اقبال، سرنوشت‌های اجباری، حوادث کاملاً اتفاقی و تصادفی، صحنه‌های شگفت‌انگیز ناگواری‌هایی که ناگهان به امید، آرامش و پیروزی مبدل می‌گردند، از ویژگی‌های این سبک قصه نویسی است. به امور غیر عقلانی پروبال می‌دهند و داستان‌های مزبور بر خلاف پارادوکس‌های بسیار، فرجامی خوش، شاد و نشاط آور دارند، بدون اینکه حوادث آنها با هم، رابطه علت و معلولی داشته باشند.

۳۶. بنگرید به مقاله «آفت زندگی فرهنگی»، ایرج بهرامی، کتاب هفته، ۲۶ آبان ۱۳۸۰، شماره ۳۱، ص ۱۴.

۳۷. گفت و گو با عزیز الله جوینی، کتاب هفته، دوره جدید، شماره ۱۶، اول بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۲-۱۱.

38. Popular lite Raecture

دیر گاهی است که خاورشناسان و مستشرقین به پژوهش در آثار ادبی می‌پردازند و خدمت آنان در اکثر مواقع شایسته‌توسین است و کارهای آنان با ارزش و قابل اعتنا می‌باشد و از نظر تجزیه و تحلیل و نسخه‌شناسی و رفع پاره‌ای از غوامض، خدمتشان گرانبه‌است؛ اما باید این واقعیت را در نظر داشت که طرز نگرش، سوابق ذهنی و بنیان‌های جهان بینی آنان با فرهنگ ارزشی اسلام که بر آثار ادبی پرتو افکنده، در مواردی هماهنگی و همخوانی ندارد و گاه مشاهده می‌شود از درک اموری که از حوزه تفکرشان خارج بوده، عاجز مانده‌اند. در مجموع، پژوهش‌های اروپاییان در آثار ادبی از تعصب و احیاناً برخی مقاصد سیاسی خالی نیست و باید مراقب بود تا خوانندگان خالی‌الذهن شیفته این نوشته‌ها نشوند.

عده‌ای با غروری دردآور به کتاب‌سازی‌های ادبی رویکرد نشان می‌دهند و نشر این گونه کتاب‌ها آفتی است برای مسیری که اعتلای فرهنگی را طی می‌کند. از باب نمونه، کتاب اسرار التوحید نخستین بار به وسیله استاد بهمینیار و سپس با همت ذبیح‌الله صفا، تصحیح و روانه بازار طبع و نشر گردید و آخرین طبع انتقادی آن به کوشش ادیب فرزانه دکتر محمد رضا شفیع کدکنی صورت گرفت که علاقه‌مندان را از مراجعه به نسخه‌های دیگری نیاز کرد؛ اما در سال‌های اخیر، فردی نسخه‌ای ساخته شده از این کتاب را عرضه کرد. اهتمام‌کننده در توجیه این حرکت غیر ضرور و آمیخته به خطا، با تشریح پر تکلف و دور از ذهن که نشر کتاب دره داده میرزا مهدی خان استرآبادی را در اذهان تداعی می‌کند، نکاتی را آورده و کارش را کم‌نظیر و مخلصانه تلقی کرده است!

آفت ادبی دیگر، کتاب‌سازی‌هایی با عناوین بازنگری، بازنویسی و تحریری نو می‌باشد. این بازنخوانی‌ها غالباً نه تنها مفید نبوده‌اند، بلکه میراث ارزشمند فرهنگی گذشتگان ادیب و نامور را مخدوش می‌کند و دل علاقه‌مندان و کوشندگان ادبی را به درد می‌آورد و بهتر است اهل ذوق و ادیبانی ماهر چنین بازنخوانی‌هایی را انجام دهند. ۳۶

برخی نسخه‌های کتاب‌های ادبی مشهور که متأسفانه مدرک



به طور کلی در چنین سبک‌هایی عواطف و احساسات تحریک می‌گردند، شکل‌گیری رویدادها بر عشق‌های زمینی است، شخصیت‌ها به خوب و بد تقسیم شده‌اند و برخی افراد تا حوالی پایان داستان معمایی غیر طبیعی جلوه داده می‌شوند، گرایش‌های عامیانه، سنت‌های بومی و درد دل‌های افراد عادی در ادبیات مورد اشاره پررنگ‌ترند و اصولاً خرافات و عامیانه‌اندیشی را رواج می‌دهند.

از نکات تأمل برانگیز این است که هم غالب نویسندگان داستان‌های عامه‌پسند بانوان هستند و هم بیشتر خوانندگان بانوان می‌باشند و شاید گرایش ناخودآگاه آنان به خیال‌پردازی و روحیه مبتنی بر احساس و هیجان، دلیل این اقبال دو سویه باشد^{۳۹}. واکاوی و چگونگی شکل‌گیری ادبیات عامه‌پسند و عوارض آن می‌تواند در آینده پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۸. روان‌شناسی بازاری و خرافاتی

در بازار نشر، گاهی کتاب‌های عامه‌پسند روان‌شناسی با عناوینی فریب‌دهنده چون: پیروزی آسان، کلیدهای موفقیت، راز شاد زیستن، جوان شوید، کامیابی را در آغوش بگیرید، پولدار شوید، آرامش نامحدود و ... روانه بازار می‌گردند و جامعه و بخصوص نسل جوان هم از آنها به خوبی استقبال می‌کند. عده‌ای که دچار مشکلات و مضامین پیچیده شده و اغلب در رفع آنها درمانده‌اند و می‌خواهند در گردونه اتفاقات جبری و غیر قابل تحول خود را گرفتار کنند و حاضر نمی‌شوند برای خودشناسی و گره‌گشایی از دشواری‌ها به تفکر و بصیرت روی آورند، از این کتاب‌ها استفاده می‌نمایند. نبود کتاب‌های علمی و بنیادی روان‌شناسی به زبان قابل فهم عمومی بر مشکل می‌افزاید و فقدان آثاری جذاب در روان‌شناسی اسلامی، روند مذکور را تسریع می‌بخشد.

روان‌شناسی بازاری و مورد‌پسند عامه از اصول علمی و ارزشی دور است و برای آنان که دچار اختلالات افسردگی و اضطرابی هستند، راهگشا نیستند و نمی‌توانند نگرش این افراد را نسبت به زندگی عوض کنند، و صرفاً آرامش زودگذر و خلسه‌ای موقت پدید می‌آورند و به خواننده القا می‌کنند که تو خوبی، مشکلی نداری، همه کاری می‌توانی بکنی، و آنان را با تعارض‌های عمیق درونی و رنج‌های روحی رو به رو نمی‌کنند و به نوعی واقعیت‌ها را با جملاتی مسکن پنهان می‌کنند و احساسات واقعی را نادیده می‌انگارند. به همین دلیل مطالعه‌کنندگان این کتاب‌ها پس از مدتی سرخورده می‌گردند؛ زیرا این کتاب‌ها با ایجاد خلق کاذب مثبت، با انسان کاری می‌کنند که با دردهای

روحی و رفتاری مواجه نگردد؛ اما این عارضه‌ها که چون موریانه در وجودشان لانه کرده‌اند، دست از سر آدم بر نمی‌دارند. این گونه نوشته‌ها علاوه بر کاستی‌ها و عوارض فوق، فرهنگ غربی را ترویج می‌کنند که با باورها و هنجارهای دینی، خودی و بومی همخوانی ندارد و اصولاً پیشرفت مادی، رفاه‌دنیایی، آسایش، عافیت‌طلبی و بی‌تفاوتی را رواج می‌دهند.

متأسفانه برخی نویسندگان هم به این مسیر آفت زار روی آورده‌اند و با تقلید از ترجمه‌های غربی خود به نگارشی دست زده‌اند که همان نسخه‌های مشابه اما بی‌خاصیت و حتی پراسیب را ارائه می‌دهند.

روی آوردن به عرفان و ارداتی از قبیل آثار کریشنامورتی، اوشو، کارلوس کاستاندا، اریک فروم، هرمان هسه، گابریل گارسیامارکز و ... نیز برای رهایی از آشفتگی‌هایی است که چنین آثاری هم نتوانسته‌اند مرتفع کنند؛ اگر چه مطالعه آنها با کتاب‌های روان‌شناسی بازاری متفاوت است.

راستی، چرا متون عرفانی و مضامین عالی ادبیات معنوی به شیوه‌ای جذاب و ظریف تدوین نمی‌شود که این خلأ را ترسیم کند؟ جامعه تشنه است و به دنبال چشمه‌هایی می‌رود که جریه‌هایی از آب گوارا بنوشد، اما آثار مزبور غالباً از عمده این کار بر نمی‌آیند و سرابی بیش نمی‌باشند. اسف انگیزتر از اینها روی آوردن به کتاب‌های فال‌گیری، علوم غریبه، طالع‌بینی، سحر و جادو، و انواع طلسمات می‌باشد. بسیار موجب شگفتی است در جامعه‌ای که گرایش به تحصیل علم و کسب معرفت روند روز افزونی دارد، این گونه گسترده به چنین خرافات و خردستیزی‌ها اقبال نشان داده می‌شود. راه حل بیرون آمدن از این چالش‌ها و گرفتاری‌ها و توجه به راهکارهای مفید می‌تواند در مجله آینده پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.



۳۹. در این زمینه بنگرید به «گفت و گویی درباره ادبیات عامه‌پسند»، رضا آشفته، فرهنگ و پژوهش، ۲۷ مرداد ۱۳۸۳، شماره پیاپی ۱۵۷؛ «دنیای زنان و رمان‌های عامه‌پسند»، پیام زن، ش ۱۵۴، دی ۱۳۸۳.